

امروز یا مولانا

گر شود ذرات عالم حبله بیج چون گریزد این زمین از آسمان هر چه آید از آسمان سوی زمین نه مفر دارد نه چاره نه کمین

بک خبر | یک نگاه

کاش به مدار پیگیری بجز حد

معمومه اینستار، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به خاطر آخرین اقدام شهرداری تهران در اجرای کمین آسمان آسی، زمین پاک از شهرداری تشکر کرد. اینستار با تأکید بر این که سازمان محیط زیست در اجرای این طرح با شهرداری تهران همکاری خواهد کرد، گفت: اقدام ارزشمند شهرداری پایتخت جای تقدیر دارد. قطعاً سازمان حفاظت محیط زیست و اداره کل محیط زیست استان تهران در اجرای برنامه های فرهنگی و آموزشی ارتقای فرهنگ محیط زیست شهروندان با شهرداری تهران همکاری خواهد کرد. معمومه اینستار به این که اجرای طرح آسمان آسی، زمین پاک، با دو محور فضیاط تلفیقی و تفکیک زباله از مبدأ، گامی موثر در حفاظت محیط زیست در حوزه شهری است، گفت: بنیاد اهداف ترسیم شده عملی کند.

خاطر بازی



عکس: خورشید ساسانی

مردم دوست دارند («ما» خودمان نباشیم

به واسطه اتفاقی ناخوشایندی که در زندگی اش افتاده، به مردم اطمینان ندارد، مردم هم به هنرمندان نیاز دارند. بنابراین هر حرکتی که از سوی ما انجام می شود، باید خواست و نیاز مردم را در درون خود لحاظ کرده باشد. باین و چون همه ما داریم می سوزیم و می می سوزیم، برخی را مردم فکر می کنند هنرمندان نیاز دارند نه آجار خاله و نه خیلی از مشکلات دیگر را یاد است. خفمی مسرا در خیابان دید و گفت: خیلی ممنون که خوب برخورد کردید، پیش از این هنرمند بزرگی را در گل فروشی دیدم که با من خیلی بد برخورد کرد. ما من از شنیدن سخنان این خانم تعجب کردم. می دانید چرا چون هنرمندی که این خانم آشناس را آورد، برای من نمونه بارز اخلاق است. گفتیم: خانم شما چه انتظاری داشتید که برآورده نشد؟ حتما در آن برهه هر کاری داشته که نتوانسته آن گونه که شما

سازار غفلی
هنرمندانشان را همیشه با الهامی خندان و یاری گشته ببیند. آنها معتمدند، هنرمندان به خاطر کاری که در حال انجام هستند (مناظره) فعالیت هنری است، باید خوب باشند. حداقل باید و نمود کنند که همه چیز خوب است و هیچ مشکلی وجود ندارد. این در حالی است که می دانیم هدف اصلی هر هنرمند، ارائه کارهای و خدمت کردن به مردم سرزمینش است. کار ما دقیقاً مثل مهمانزادان جویبست است. یک مهندسان به خاطر وضع شالی، این همیشه باید خندان باشد. حتی اگر چند لحظه پیش پدرش را از دست داده باشد، اگر بخواد به خاطر هم غمی که در دل دارد و

برش

واقعیت چیست؟

امیرتاداو



در هنر و ادبیات داستانه که صرفا در پی بازتابی واقعیت است. داستان های مجموعه درخت، هر چند اندک اما تکاملی این مولفه ها را در ساختار خود جای داده است. پیوسته در این مجموعه برای من مینا به تصویر کشیدن ارزش های فردی، حتی از اضارزش ها نیز استفاده کند. شخصیت های مجموعه داستان درخت، هر چند قهرمان نیستند اما همان گونه که در جامعه ستاسی مدرن، یک ضد قهرمان نیز نوعی قهرمان بخشار می رود، در این مجموعه درباره ماهیت واقعیت و در بدترین مسائلی متفاوت استفاده شده است. گاهی لعاب ابتکالی بهشت هم خوش آب و رنگ است و گاه مثل چنین آسناسی، از پدر و مادری مقدس یا سحرور زاید می شود.

برشی از کتاب «درخت»

شارت

بازگشت



عکس: مصطفی باسعید

امروز به چی فکر می کنی؟

حفاظت از محیط زیست را به «نسل نو» بیاموزیم



شاعر، کودک و دوجوان

نیز کار کردن برای بچه ها را بیش از هر کار دیگری مومن می دانم. در این میان اصلاً نباید مسئولان را مخاطب قرار داد. حتی اگر بنیاد در مورد مفاهیم ضد جنگ یا سیاست های حفاظت محیط زیست، اقداماتی هم وضع شود، باز به حساسیت و کوشش قانونی هم در پیوستگی دارد. عمل کردن به این قانون هم به خود مردم وابسته است. مگر ناموزور در این زمینه و بسیاری دیگر از موضوعات، قانون های متنوع و گوناگونی وضع شده است. سپس چرا به تقطعی که مورد نظر تمام دوستداران صلح و معیشت بوده، ترسیده ایم؟ کاش کافی است از گذشتن و تکامل کردن حرکت کنید تا نریز یا گناختن است. این کار کردن قانونی که ریختن زباله از شیشه خودرو مانع کرده، نظاره کنید. باید بپذیریم که فرهنگ سازی، که لازمه رسیدن به نقطه دلخواه بود، انجام نشده است. چند وقت پیش به شهرداری در مورد فرار از آلودگی در لحاظ گرفتن آبیاری پوشش گیاهی، فاصله از در و... در شهر درست مثل فاصله زمین تا آسمان است. در این شهر حتی از یک جوب کبریت که روی زمین افتاده باشد، شنیدم. شنیدم این کارگانی است در اطراف رشت یا داخل شهر، گشتی بر زمین رند نخواهد وضع محیط زیست را شاهد باشید. این اتفاق تقصیر خود مردم است و ربطی به این یا آن دولت ندارد. فرار هم نیست همیشه موضوعات از نظر قانونی مورد بررسی قرار دهیم، برای حفاظت از محیط زیست، قبل از هر چیز نیازمند خواست عمومی هستیم. همیشه نباید چشممان به قانون گاران و مسئولان باشد. این مسائل به نوع رفتار و سلوک تربیتی که تجزیه کرده ایم، مربوط است. اگر ما بزرگسالان خوب تربیت نشده ایم، باید به فکر کودکان باشیم.

از سر دلنتگی

این شهر بی عاطفه



نویسنده و روزنامه نگار

ما ۱۵ سال پیش که در آمستردام زندگی می کردم به این فکر فرو رفتم: بوم که اروپایی ها در مادیات غرق شده اند و در دل هایشان خبری از عاطفه نیست، اینر کنید بکار خلیه ختام دست دوستی بود و منتظر بسودم تا او کلید را ایبورد. در مدت ۱۵ دقیقه که کنار خانه منتظر آن دوست بودم، از سوالات رهگذاران به ستوه آمدم، از سر درباره مشکلک پرسیدند و خواستند حکم کنند. برای آن که خودم را از این همه احساس مسئولیتی که رهگذاران داشتند راحت کنم، شروع به قدم زدن کردم. بعد از آن خوشحال شدم که حساسیت مردم در مورد هواشناسان را دیدم. آنها در مورد دلننگی های دیگری حساس بودند و دلشان می خواست مشکل را حل کنند. صحنه ای که چند روز پیش در یکی از پارک های تهران به چشم خود دیدم، مرا به روزهای برد که درباره بیگانگان این گونه می اندیشیدم، با خود گفتم: در جامعه ای که همه ادعای عاطفی بودن و مراعات کردن حقوق دیگری را دارند، وضع چنین است. هیچ کس برای خود و صورت نداشت که از جوانک شهروندی، هیچ گامی در زمین رشد نخواهد کرد. نفس این کار و بررسی چراغی این اتفاق زاید، همیشه برای من مورد سؤال بوده است. در چنین شرایطی من از بزرگسالان نباید هستم. کسانی مثل داستان نویسان، نویسندگان معلمان، مربیان و پدر و مادرها که با کودکان کار می کنند، باید احترام به محیط زیست را به این نسل نو، بیاموزند. سازه دیگری که ذهن مرا به خود مشغول کرده، جنگ است. این اتفاق مسووم در دور و بر ما (ماجرای هوا) به بیش از هر جای دیگر دنیا وجود دارد. به همین دلیل ما باید بیشتر با اطلاع کنیم. در این زمینه